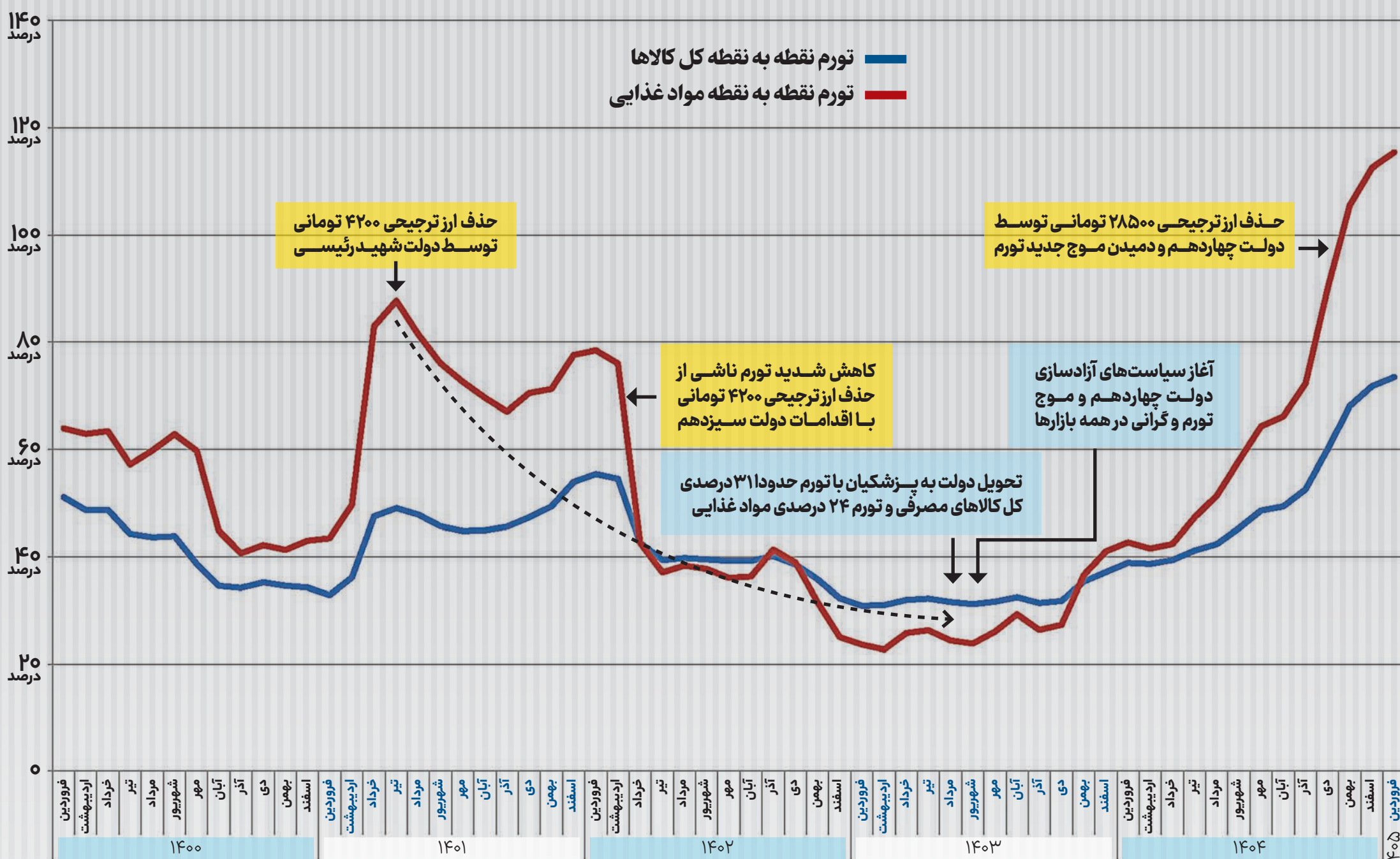




# سیاست آزادسازی عوامل گرانی‌ها

پاسخ به تحریف واقعیت توسط جریان اصلاح طلب که جنگ تحمیلی را عامل تورم ۳ رقمی در دولت مسعود پزشک‌یان معرفی می‌کند

چه جنگ ادامه یابد چه صلح شود، اگر دولت پزشک‌یان سیاست آزادسازی قیمت‌ها را متوقف نکند، رکوردزنی تورم ادامه خواهد داشت



نگاهی به آمارهای تورم نشان می‌دهد شیب شدیداً صعودی تورم از همان شروع به کار دولت چهاردهم آغاز شد و ارتباطی به جنگ تحمیلی ندارد. آخرین اقدام دولت چهاردهم در آزادسازی قیمت‌ها هم در نیمه دی‌ماه سال ۱۴۰۴ با حذف ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی و افزایش نرخ ارز واردات کالاهای تولیدی از حدود ۷۰ هزار تومان به ۱۴۰ هزار تومان انجام شد که گرانی‌های اخیر ناشی از آن سیاست است، نه جنگ تحمیلی. به دلیل اجرای همین سیاست‌های آزادسازی قیمت‌ها در دولت پزشک‌یان است که نرخ تورم نقطه به نقطه کل کالاهای مصرفی که در پایان دولت شهید رئیسی ۳۱٫۶ درصد بود در فروردین امسال به ۷۳٫۵ درصد افزایش یافت و تورم نقطه به نقطه مواد غذایی هم در همین مدت از ۲۴٫۴ درصد به ۱۱۵٫۴ درصد جهش پیدا کرده است؛ یعنی تورم مواد غذایی نسبت به پایان دولت شهید رئیسی ۴٫۷ برابر شده است؛ بنابراین این تورم ناشی از تحمیل سیاست‌های آزادسازی دولت چهاردهم است، نه جنگ تحمیلی.



## خبر

شوگ بیمه در خلیج فارس؛  
نبض تورم جهان در دست ایران

هرمز دیگر فقط یک مسیر نیست؛ تهران با تسلط بر این گلوگاه، نرخ بیمه و نبض تورم جهانی را در دست گرفته است. در حالی که بازارهای جهانی با دلهره تحولات خلیج فارس را رصد می‌کنند، واقعیت بحران نه در میدان نبرد، بلکه در دفاتر شیشه‌ای شرکت‌های بزرگ بیمه در لندن و سنگاپور در حال رقم خوردن است. تنگه هرمز امروز فراتر از یک آبراهه جغرافیایی، به اهرم قدرتمند ایران در توازن قوای بین‌المللی تبدیل شده است؛ جایی که یک تصمیم راهبردی در تهران می‌تواند محاسبات ریسک را در قلب بازارهای مالی جهان دگرگون کند.

این نفوذ ژئوپلیتیکی، لرزه بر اندام صنعت بیمه دریایی انداخته و «نرخ بیمه جنگی» را به مالیاتی پنهان تبدیل کرده که از سبد معیشت مردم در آسیا تا بودجه‌های دولتی در اروپا را تحت تأثیر قرار می‌دهد. وزن این گلوگاه زمانی درک می‌شود که بدانیم عبور ۲۰ درصد نفت خام و ۳۰ درصد تجارت جهانی کود شیمیایی، هرمز را به کلید امنیت غذایی و انرژی جهان بدل کرده است.

با افزایش نااطمینانی، شرکت‌های بیمه که تا پیش از این با نرخ‌های حداقلی فعالیت می‌کردند، اکنون با ضرب‌ریسک‌های بی‌سابقه، هزینه‌های سرسام‌آوری را به شرکت‌های کشتیرانی تحمیل می‌کنند. این جهش قیمتی در بیمه، مانند یک دومینوی اقتصادی عمل کرده و هزینه حمل‌ونقل را در تمام زنجیره‌های تأمین بالا برده است. وقتی نرخ بیمه یک نفتکش در عبور از هرمز چندین برابری می‌شود، اثر آن نه در دریا، بلکه در پمپ‌بنزین‌های دهلی‌نو با افزایش ۱۵ درصدی قیمت سوخت و در کارخانه‌های پوشاک بنگلادش با رکود تولید، خود را نشان می‌دهد.

نکته اساسی اینجاست که ایران با اشراف کامل بر این مسیر استراتژیک، عملاً به تنظیم‌کننده جریان تورم در اقتصادهای وابسته به انرژی تبدیل شده است. بیش از ۸۰ درصد صادرات انرژی از این مسیر به مقصد قدرت‌های آسیایی نظیر چین، ژاپن و کره جنوبی با رگیری می‌شود و برخی کشورها مانند پاکستان و فیلیپین برای تأمین بیش از ۹۰ درصد نیاز خود، هیچ راهی جز تکیه بر امنیت این آبراهه ندارند. این وابستگی مطلق، به ایران وجهه‌ای مقتدر در دیپلماسی انرژی بخشیده است؛ به طوری که هرگونه تغییر در آرایش نیروها در منطقه، بلافاصله هزینه «حق بیمه ریسک» را جابه‌جا کرده و تراز تجاری قدرت‌های بزرگ را به چالش می‌کشد. حتی صنایع مادر در دوردست‌ترین نقاط آسیا نیز از ترسش‌های این بحران بیمه‌ای در امان نمانده‌اند. کاهش ۱۰ درصدی تولید نیکل در اندونزی که قلب تپنده صنایع فولاد و باتری‌سازی جهان است، نمونه‌ای از فلج‌شدن زنجیره تأمین در اثر ناامنی مسیرهای دریایی است.

این اختلالات ثابت می‌کند که قدرت مانور ایران در هرمز، تنها یک مسئله نظامی نیست، بلکه ابزاری است که می‌تواند هزینه‌های حمایتی دولت‌ها در لندن و سایر پایتخت‌های غربی را تحت فشار قرار دهد و آن‌ها را در برابر فشارهای توری و نارضایتی‌های معیشتی ناشی از قیمت سوخت، بی‌دفاع بگذارد.

در نهایت، آنچه امروز در بازارهای جهانی شاهد هستیم، اعتراف ناخوشایند اقتصاد بین‌الملل به وزن غیرقابل انکار ایران در نظم نوین جهانی است. تهران با مدیریت هوشمندانه این گلوگاه حیاتی، ثابت کرده است که امنیت تجارت جهانی بدون در نظر گرفتن نقش و جایگاه او، هزینه‌ای گزاف خواهد داشت؛ هزینه‌ای که شرکت‌های بیمه و غول‌های کشتیرانی اکنون ناچار به پرداخت آن هستند تا شاید بتوانند چرخ‌های زنگ‌زده زنجیره تأمین جهانی را در سایه اقتدار ایران به حرکت درآورند.

## سیاست آزادسازی؛ عامل گرانی‌ها

پاسخ به تحریف واقعیت توسط جریان اصلاح‌طلب که جنگ تحمیلی را عامل تورم ۳ رقمی

در دولت مسعود پزشکیان معرفی می‌کنند

چه جنگ ادامه یابد چه صلح شود، اگر دولت پزشکیان سیاست آزادسازی قیمت‌ها را متوقف نکند

رکوردزنی تورم ادامه خواهد داشت

## گزارش

خسارات امنیتی و اجتماعی شدیدی هم بار آورد.

## تجربه شیرین دولت شهید رئیسی

در روزهای اخیر جریان رسانه‌ای اصلاح‌طلب و حامیان دولت چهاردهم خط جدید انحرافی را کلید زده‌اند و قصد دارند علت تورم شدید و گرانی‌ها را جنگ تحمیلی اخیر جابزند و ریشه تورم را که اجرای سیاست‌های آزادسازی اقتصادی و رها کردن بازارها در دولت مسعود پزشکیان است، پنهان سازند.

جریان سیاسی و اقتصادی اصلاح‌طلب در دو دهه اخیر تنها راه حل مشکلات اقتصادی کشور را در مذاکره با آمریکا خلاصه کرده و در کنار آن، با ترویج سیاست‌های آزادسازی قیمت‌ها و نفی هرگونه نظارت دولت بر بازارها که تماماً تحت لوای نامگذاری به ظاهر زیبایی «اقتصاد آزاد» انجام شده، سبب تشدید تورم در کشور شده اما علت این تورم را عدم مذاکره با آمریکا معرفی کرده است.

## تجربه تلخ دولت روحانی

شاهد بودیم که جریان سیاسی و اقتصادی اصلاح‌طلب در دولت حسن روحانی نیز همه امورات کشور را به مذاکره با آمریکا و توافق خسارت‌بار برجام گره زد. اما تا آمریکا تعهدات خود در برجام را کنار گذاشت و از آن خارج شد، دولت روحانی به جای اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، سیاست‌های آزادسازی شدید قیمت‌ها مثل بنزین و ارز را اجرا کرد که به بی‌سابقه‌ترین گرانی‌ها در آن دولت و منفی‌ترین رشد اقتصادی کشور منجر شد و

منصوب کرد. همتی هم مجدداً سیاست‌های تورمی خود را با حذف ارز ۲۸۵۰۰ تومانی بی‌گرفت که به رکورد زدن تاریخی تورم انجامیده است.

## تورم غذا در دولت پزشکیان ۴۰۷ برابرد

در نتیجه اجرای سیاست‌های آزادسازی در دولت چهاردهم، نرخ تورم که در دولت شهید رئیسی نزولی شده بود، مجدداً افزایشی شد و نرخ تورم مواد غذایی نیز سرهمی شد.

نگاهی به آمارهای تورم هم نشان می‌دهد شیب شدیدی صعودی تورم از همان شروع به کار دولت چهاردهم آغاز شد و ارتباطی به جنگ تحمیلی ندارد. آخرین اقدام دولت چهاردهم در آزادسازی قیمت‌ها هم در نیمه دی‌ماه سال ۱۴۰۴ با حذف ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی و افزایش نرخ ارز واردات کالاهای تولیدی از حدود ۷۰ هزار تومان به ۱۴۰ هزار تومان انجام شد که

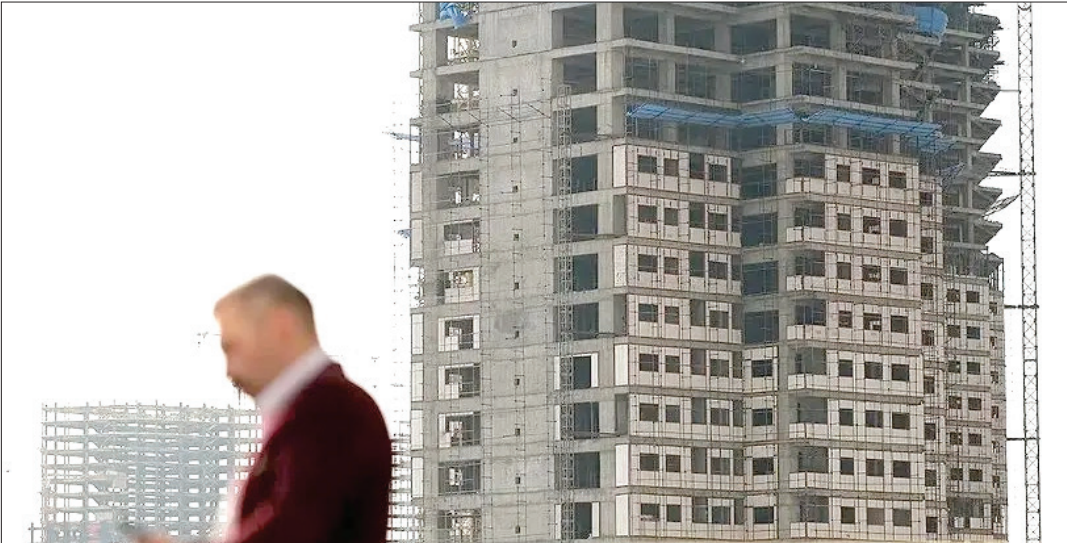
گرانی‌های اخیر ناشی از آن سیاست است، نه جنگ تحمیلی.

به دلیل اجرای همین سیاست‌های آزادسازی قیمت‌ها در دولت پزشکیان است که نرخ تورم نقطه به نقطه کل کالاهای مصرفی که در پایان دولت شهید رئیسی ۳۱۶ درصد بود در فروردین امسال ۷۳۵ درصد افزایش یافت و تورم نقطه به مواد غذایی هم در همین مدت از ۲۴۰۴ درصد به ۱۱۵۰۴ درصد جهش پیدا کرده است؛ یعنی تورم مواد غذایی نسبت به پایان دولت شهید رئیسی ۴۰۷ برابر شده است؛ بنابراین این تورم ناشی از تحمیل سیاست‌های آزادسازی دولت چهاردهم است، نه جنگ تحمیلی.

بنابراین چه جنگ ادامه یابد چه صلح شود، اگر دولت پزشکیان سیاست آزادسازی رکوردزنی تورم ادامه خواهد داشت.

جریان سیاسی و اقتصادی اصلاح‌طلب در دهه اخیر تنها راه حل مشکلات اقتصادی کشور را در مذاکره با آمریکا خلاصه کرده و در کنار آن، با ترویج سیاست‌های آزادسازی قیمت‌ها و نفی هرگونه نظارت دولت بر بازارها که تماماً تحت لوای نامگذاری به ظاهر زیبایی «اقتصاد آزاد» انجام شده، سبب تشدید تورم در کشور شده اما علت این تورم را عدم مذاکره با آمریکا معرفی کرده است

## ساخت‌وساز، پیشران احیای اقتصاد پساجنگ است



رئیس انجمن صنعت ساختمان گفت:

ساخت‌وساز به عنوان موتور محرک اقتصاد در دوره پساجنگ می‌تواند با ایجاد اشتغال، رونق صنایع وابسته و افزایش قدرت خرید، نقش کلیدی در احیای اقتصاد کشور ایفا کند. پیمان جوزی، رئیس انجمن صنعت ساختمان با تأکید بر اینکه اقتصاد کشور در شرایط فعلی بیش از هر زمان دیگری به ایجاد امید نیاز دارد، بر ضرورت بازگرداندن امید به جامعه و حرکت به سمت بازسازی کشور با مشارکت مردم و فراهم شدن شرایط عادی تأکید کرد. وی در خصوص افزایش دو برابر قیمت برخی مصالح ساختمانی و رشد هزینه ساخت‌وساز افزود: انتظارات تورمی و نوسانات نرخ ارز همواره از عوامل اثرگذار بر بازار مصالح ساختمانی بوده‌اند. هرچند در گذشته گفته می‌شد صنعت ساختمان کمترین آسیب‌را از تحریم‌ها می‌بیند، اما این موضوع به معنای بی‌تأثیری این صنعت از نرخ ارز نیست، بلکه نشان می‌دهد این بخش حتی در شرایط تحریم نیز قابلیت فعالیت دارد. در واقع، بخش عمده صنایع تأمین‌کننده ساخت‌وساز وابسته به ارز هستند و افزایش نرخ ارز هم از مسیر واقعی هم از مسیری روانی، هزینه‌های ساخت‌وساز بالا می‌برد.

**کف هزینه ساخت به ۴۰۰ دلار در هر مترمربع رسید**  
جوزی بیان کرد: طی ۵ ماه اخیر بازار نهاده‌های ساختمانی از دو جهت تحت فشار قرار گرفته است: نخست افزایش نرخ ارز و تورم که هزینه تولید را بالا برده و دوم اثرات ناشی از جنگ و آسیب به برخی صنایع. مجموع این عوامل باعث جهش قیمت در محصولات ساختمانی شده است. به عنوان نمونه، کف هزینه ساخت مسکن بدون احتساب زمین و مجوزها حدود ۴۰۰ دلار به ازای هر مترمربع است.

افزایش قدرت خرید مردم، به‌ویژه از طریق ارائه تسهیلات مناسب در انتهای زنجیره یعنی برای خریداران، اقدام کرد.

وی یادآور شد: تجربه کشورهای مختلف پس از جنگ جهانی دوم نشان می‌دهد که رونق ساخت‌وساز نقش مهمی در بازسازی و رشد اقتصادی داشته است. فعال شدن این صنعت موجب رونق صنایع وابسته، توسعه خدمات، افزایش اشتغال و در نهایت تقویت قدرت خرید مردم می‌شود.

جوزی تأکید کرد: حرکت صنعت ساختمان می‌تواند امید‌رادر جامعه تقویت کند و این امید حتی بر انتظارات تورمی نیز اثر گذارنده دارد.

**معافیت مالیاتی، شرط بازگشت سازندگان به بازار**  
وی ادامه داد: با شکل‌گیری امید و رونق صنعت ساختمان در دوره پساجنگ، این بخش می‌تواند نقش پیشران اقتصاد را ایفا کند. سیاست‌گذار نیز برای احیای این صنعت باید در یک دوره چندساله، معافیت‌هایی در پرداخت مالیات و سهم تأمین اجتماعی برای فعالان این حوزه در نظر بگیرد تا شرایط به حالت طبیعی بازگردد. در حال حاضر فشارهای مالی بر سازندگان وجود دارد و این بخش توان جبران کسری‌های دیگر نهادها را ندارد.

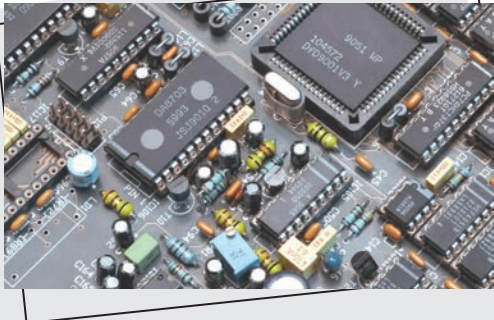
**صنعت گردشگری می‌تواند وابستگی به نفت را کاهش دهد**  
رئیس انجمن صنعت ساختمان در پایان خاطرنشان کرد: با وجود شرایط سخت، توان عبور از بحران و بازسازی خود را دارد کشور وجود دارد. از سوی دیگر توجه به صنعت گردشگری در کشور چهارفصل با ظرفیت‌های فرهنگی و طبیعی گسترده می‌تواند حتی وابستگی به نفت را نیز کاهش دهد.

توقف زنجیره کامل این صنعت از بخش‌های بالادستی تا پایین‌دستی می‌شود. وی با اشاره به نقش گسترده ساخت‌وساز در اقتصاد کشور ادامه داد: صنعت ساختمان زنجیره وسیعی از فعالیت‌های تولیدی و خدماتی را فعال می‌کند و اثر مستقیم بر شاخص‌های اقتصادی دارد. به همین دلیل، کارگروهی با حضور انجمن صنعت ساختمان و نمایندگان از وزارتخانه‌های راه و شهرسازی، کار و اقتصاد تشکیل شده تا اثر مستقیم این صنعت بر نرخ تورم بررسی و محاسبه شود.

رئیس انجمن صنعت ساختمان درباره راهکارهای بهبود بازار مسکن و حمایت از خانه‌اولی‌ها اظهار کرد: اولین گام برای رونق جویز یادآور شد: ثبات سیاسی و تعامل سازنده با جهان می‌تواند به بهبود وضعیت اقتصاد و به تبع آن صنعت ساختمان کمک کند. در حالی که بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی موجب

وی ادامه داد: افزایش قیمت‌ها می‌تواند مستقیم یا غیرمستقیم باشد؛ برای مثال، افزایش قیمت پاکت سیمان بر بهای سیمان اثر گذاشته یا رشد هزینه تولید پروفیل‌ها و محصولات آلومینیومی به‌طور غیرمستقیم در قیمت نهایی ساخت‌وساز منعکس می‌شود. رئیس انجمن صنعت ساختمان با اشاره به آسیب‌های وارد شده به صنایع پتروشیمی و فولادی در جریان جنگ، تصریح کرد: این خسارت‌ها بر سایر بخش‌ها از جمله ساختمان نیز اثرگذار خواهد بود و حتی می‌تواند به زندگی روزمره مردم سرایت کند؛ چراکه بسیاری از صنایع مانند تولید بطری آب، خودروسازی و سایر بخش‌های وابسته نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرند.

**اولویت مردم از خرید مسکن خارج شده است**  
وی درباره آینده بخش خصوصی صنعت



## جنگ ایران قیمت بردهای الکترونیکی را ۴۰ درصد افزایش داد

**محمدفاضل نصیری**

اختلال در زنجیره تأمین مواد اولیه ناشی از جنگ تحمیلی علیه ایران، به‌ویژه در اثر آسیب به تأسیسات پتروشیمی عربستان، موجب جهش قیمت بردهای مدار چاپی به عنوان یکی از اجزای کلیدی صنایع الکترونیک شده است. این افزایش که در ماه آوریل میلادی تا ۴۰ درصد گزارش شده، تحت تأثیر هم‌زمان رشد تقاضا برای سرورهای هوش مصنوعی و کمبود مواد اولیه‌ای نظیر رزین، مس و لیاف شیشه رخ داده است. ادامه این روند می‌تواند هزینه تولید شرکت‌های فناوری را به‌طور قابل توجهی افزایش داده و چشم‌انداز عرضه جهانی تجهیزات دیجیتال را با عدم قطعیت مواجه کند.

خبرگزاری رویترز در گزارشی به بررسی پیامدهای درگیری‌های اخیر غرب آسیا بر زنجیره تأمین صنایع الکترونیک پرداخته و نشان داده است که اختلال در تولید مواد اولیه کلیدی، به‌ویژه در بخش پتروشیمی، موجب افزایش شدید هزینه‌ها در بازار جهانی بردهای مدار چاپی شده است. این گزارش با تمرکز بر پیوند میان امنیت انرژی، زنجیره‌های تأمین صنعتی و رشد تقاضای فناوری‌های نوین، ابعاد اقتصادی و صنعتی جنگ ایران را فراتر از بازار انرژی تحلیل می‌کند.

#### اختلال در تولید مواد اولیه کلیدی، زنجیره تأمین جهانی را تحت فشار قرار داد

درگیری‌های اخیر در غرب آسیا، به‌ویژه در اثر آسیب به مجتمع پتروشیمی جبیل عربستان، موجب توقف تولید رزین پلی فنیلن اتر با خلوص بالا شده که یکی از مواد پایه در تولید لایه‌های برد مدار چاپی محسوب می‌شود. این اختلال، عرضه جهانی این ماده را به شدت محدود کرده است. شرکت که حدود ۷۰ درصد تولید جهانی این نوع رزین را در اختیار دارد، هنوز موفق به ازنس‌گیری تولید نشده و همین مسئله فشار مضاعفی بر بازار وارد کرده است. علاوه بر این، اختلال در مسیرهای حمل‌ونقل خلیج فارس نیز موجب کنندی جریان تجارت مواد اولیه شده و ریسک‌های لجستیکی را افزایش داده است.

**افزایش هم‌زمان تقاضای فناوری و کمبود عرضه، قیمت PCB را جهشی کرد**
قیمت بردهای مدار چاپی که در طیف گسترده‌ای از محصولات الکترونیکی از گوشی‌های هوشمند تا سرورهای هوش مصنوعی کاربرد دارند، از اواخر سال گذشته روند صعودی داشته و در ماه آوریل تا ۴۰ درصد افزایش یافته است. این افزایش قیمت، علاوه بر محدودیت عرضه، ناشی از رشد سریع تقاضا برای زیرساخت‌های پردازشی هوش مصنوعی است. تحلیلگران گلدمن ساکس معتقد هستند ارائه دهندگان خدمات ابری نیز با پیش‌بینی تداوم کمبود عرضه، حاضر به پذیرش افزایش قیمت‌ها هستند که این امر به تثبیت روند صعودی بازار کمک می‌کند.

**افزایش هزینه مواد اولیه، فشار مضاعف بر تولیدکنندگان الکترونیک**
کمبود مواد اولیه تنها به رزین محدود نشده و بازارهایی مانند مس و لیاف شیشه نیز با تنگنای عرضه مواجه شده‌اند. قیمت فویل مسی به‌عنوان یکی از اجزای اصلی PCB در سال جاری تا ۳۰ درصد افزایش یافته و سهمی حدود ۶۰ درصد از هزینه مواد اولیه این صنعت را به خود اختصاص می‌دهد. شرکت ویکتوری جابنت تکنولوژی هشدار داده است که ادامه تنش‌های منطقه‌ای می‌تواند قیمت مواد کلیدی را بیش از پیش افزایش دهد. در همین حال، زمان تأمین مواد شیمیایی مانند رزین اپوکسی نیز از سه هفته به حدود ۱۵ هفته افزایش یافته که نشان‌دهنده اختلال عمیق در زنجیره تأمین است.

**بازار جهانی PCB در مسیر رشد؛ اما با ریسک‌های ژئوپلیتیکی**
با وجود چالش‌های موجود، پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد بازار جهانی PCB تا سال ۲۰۲۶ با رشد ۱۲.۵ درصدی به حدود ۹۵.۸ میلیارد دلار خواهد رسید. این رشد عمدتاً ناشی از توسعه فناوری‌های پیشرفته مانند هوش مصنوعی و مراکز داده است. با این حال، افزایش ریسک‌های ژئوپلیتیکی، به‌ویژه در مناطق کلیدی تولید مواد اولیه، می‌تواند پایداری این رشد را تهدید کند. شرکت‌های تولیدکننده نظیر دایداک الکترونیکس نیز مذاکراتی را با مشتریان خود برای افزایش قیمت‌ها آغاز کرده‌اند که نشان‌دهنده انتقال فشار هزینه به کل زنجیره ارزش است.

**پیامدهای گسترده جنگ ایران بر صنایع فراتر از انرژی**
تحولات اخیر نشان می‌دهد که اثرات جنگ ایران محدود به بازار نفت و گاز نبوده و به‌طور مستقیم صنایع پیشرفته‌ای مانند الکترونیک را نیز تحت تأثیر قرار داده است. افزایش هزینه تولید، کاهش دسترسی به مواد اولیه و اختلال در زنجیره‌های تأمین، همگی نشانه‌هایی از تعمیق اثرات اقتصادی این درگیری‌ها هستند. این روند می‌تواند در میان‌مدت به افزایش قیمت محصولات فناوری، کاهش حاشیه سود شرکت‌ها و حتی تغییر در الگوهای سرمایه‌گذاری صنعتی منجر شود.

Charsogh newspaper

■ چهارشنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۵ ■ سال دوم ■ شماره ۴۵۳



نبض اقتصاد را در دست بگیرید

دوره	رشد نقدینگی	میانگین نرخ ارز	رشد نرخ ارز	شاخص نرخ ارز	شاخص قیمت	شاخص نقدینگی
۱۳۹۲	۲۹.۱	۳.۱۸۳	۲۲.۱	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۳۹۳	۲۲.۳	۳.۲۸۰	۳	۱۰۳	۱۱۵.۶	۱۲۲.۳
۱۳۹۴	۳۰	۳.۴۵۰	۵.۲	۱۰۸.۳	۱۲۹.۳	۱۵۹
۱۳۹۵	۲۳.۲	۳.۶۴۴	۵.۶	۱۱۴.۴	۱۴۰.۹۹	۱۹۵.۸
۱۳۹۶	۲۲.۱	۴.۰۴۵	۱۱	۱۲۷	۱۵۴.۵	۲۳۹.۱
۱۳۹۷	۲۳.۱	۱۰.۳۳۷	۱۵۵.۵	۳۲۴.۵	۲۰۲.۷	۲۹۴.۴
۱۳۹۸	۳۱.۱	۱۲.۹۱۸	۲۵	۴۰۵.۶	۲۸۶.۲	۳۸۶.۵
۱۳۹۹	۴۰.۶	۲۲.۸۸۰	۷۷.۱	۷۱۸.۳	۴۲۱	۵۴۳.۵
۱۴۰۰	۳۶.۳	۲۶.۳۱۹	۱۵	۸۲۶.۱	۶۱۵.۵	۷۴۰.۸
۱۴۰۱	۳۰.۷	۳۴.۹۲۶	۳۲.۷	۱۰۹۶.۲	۹۴۱.۷	۹۶۸.۲
۱۴۰۲	۲۴.۳	۵۱.۶۹۷	۴۸	۱۶۲۲.۴	۱۳۸۸	۱۲۰۳.۵
۱۴۰۳	۲۹.۱	۶۸.۸۰۵	۳۳	۲۱۵۷.۸	۱۸۸۵	۱۵۵۳.۷
۱۴۰۴	(برآورد) ۴۳.۹	۱۳۰.۰۰۰	۸۸.۹	۴۰۰۷۶	۲۷۹۵.۴	۲۲۳۵.۷

# در ۱۲ سال نرخ ارز ۴۰ برابر و نقدینگی ۲۲ برابر شد؛ مقصر گرانی کدام است؟

## گزارش

### مرتضی ماکنالی

در حالی که نگاه رایج در سیاست‌گذاری اقتصادی ایران، تورم را عمدتاً نتیجه رشد نقدینگی و ناترازی‌های پولی می‌داند، بررسی روند متغیرهای کلان‌ا از سال ۱۳۹۲ به بعد نشان می‌دهد نرخ ارز در بسیاری از سال‌ها جلوتر از نقدینگی و سطح عمومی قیمت‌ها حرکت کرده است. در سال ۱۴۰۴، اگر نرخ ۱۳۰ هزار تومان به‌عنوان میانگین نرخ ارز در نظر گرفته شود، بهای ارز نسبت به سال ۱۳۹۲ حدود ۴۰۰ برابر شده، در حالی که حجم نقدینگی ۲۲.۳ برابر و شاخص قیمت کالاها و خدمات ۲۷.۹ برابر شده است. این روند نشان می‌دهد در اقتصاد ایران، به‌ویژه پس از تشدید تحریم‌ها و محدودیت‌های ارزی، نرخ ارز متغیری پیشران در شکل‌دهی به تورم و تقاضای نقدینگی بوده است. تثبیت‌گزاره‌های مناقشه‌برانگیز در بین اقتصاددانان و مکاتب نظری جهان در بین اکثریت اقتصاددانان و سیاست‌گذاران اقتصادی در ایران، از چالش‌های اساسی سیاست‌گذاری اقتصادی و پولی در ایران است. توجه به نظریه مقداری پول، قائل بودن به ختنایی پول و اعتقاد به نظریه «تورم همیشه و همه‌جا یک پدیده پولی» است. ازجمله این گزاره‌های مناقشه‌برانگیزی است که بسیاری از کارشناسان اقتصادی کشور در صحت و مطلق بودن آن‌ها تردیدی به خود‌راه نمی‌دهند.

# شوک هرمز و بازی خطرناک امارات

افزایش کم‌سابقه قیمت نفت در پی جنگ ایران و آمریکا بوسته شدن تنگه هرمز، بازار جهانی انرژی را وارد یکی از پرریسک‌ترین و در عین حال متناقض‌ترین دوره‌های خود کرده است. در حالی که قیمت‌ها به سطوحی رسید که از سال‌های اوج شوک‌های نفتی بی‌سابقه بوده، بسیاری از تحلیلگران هشدار می‌دهند که این جهش می‌تواند بیش از آنچه نشانه کمبود ساختاری عرضه باشد، نتیجه یک شوک ژئوپلیتیک موقتی باشد؛ شوکی که در صورت فروکش کردن، ممکن است زمینه‌ساز کاهش قیمت‌ها و حتی آغاز یک جنگ قیمتی در میان تولیدکنندگان بزرگ شود.

از اوایل ماه مارس و هم‌زمان با مختل شدن عبور نفتکش‌ها از تنگه هرمز، قیمت نفت برنت تا حدود ۱۲۶ دلار در هر بشکه افزایش یافت. اهمیت این جهش از آنجا ناشی می‌شود که تنگه هرمز مسیر عبور نزدیک به ۲۰ درصد نفت و بخش قابل توجهی از گاز طبیعی مایع جهان است و هرگونه اختلال در آن، بلافاصله امنیت انرژی اقتصادهای بزرگ را تهدید می‌کند. بازار نفت که ذاتاً به انتظارات حساس است، در برابر این ریسک واکنشی سریع و شدید نشان داده و قیمت‌ها را به سطوحی رساند که بسیاری از کشورها از امان شوک‌های دهه ۲۰۰۰ تجربه نکرده بودند.

با این حال، بررسی دقیق‌تر داده‌ها نشان می‌دهد که افزایش قیمت‌ها ماهیتی ناهمگون دارد. برخلاف بسیاری از بحران‌های گذشته که بازار آتی نقش پیش‌ران قیمت‌ها را ایفا می‌کرد، در این بحران بازار فیزیکی نفت جلوتر از بازارهای مالی حرکت کرده است. در بازار بشکه‌های واقعی، برخی خریدهای نفت خام با قیمت‌هایی در محدوده ۱۳۰ دلار در هر بشکه معامله شده‌اند؛ یعنی رقمی به مراتب بالاتر از قیمت قراردادهای آتی که در حوالی ۱۱۰ دلار قرار دارند. این شکاف قیمتی نشان‌دهنده آن

**دهه ۸۰ و گسست نقدینگی از نرخ ارز**

بررسی روند متغیرهای اقتصادی حقیقت این ماجرا را روشن می‌کند. در سال‌های دهه ۸۰ به‌ویژه پس از یکسان‌سازی نرخ ارز و افزایش درآمد‌های نفتی در آن دوره، نرخ تورم و رشد نقدینگی رابطه‌ای با تغییرات مطلق انگارانه و تثبیت‌شده بکشند اما هنوز این خط فکری نتوانسته است به حوزه تصمیم‌گیران اقتصاد کشور نفوذ کند. در هیچ نظریه اقتصادی در هر چارچوب فکری، ادعا نمی‌شود که پول هیچ‌گاه، تأثیری بر تورم و رشد قیمت‌ها ندارد اما محل اختلاف نگاه تک‌عاملی یا چندعاملی به پدیده تورم است.

این گزاره‌های تثبیت‌شده نئوکلاسیکی آثار زیادی در نگاه حاکم بر سیاست‌گذاری طراحی راهکارهای حل مسائل کلان اقتصادی ایجاد کرده است. در سال‌های اخیر که نرخ تورم به واسطه افزایش‌های هر ساله بهای ارز، در سطوح بسیار بالاتری نسبت به دهه ۸۰ قرار گرفته است، همچنان نگاه پولی حاکم بر بسیاری از کارشناسان و سیاست‌گذاران اقتصادی مانع از تحلیل دقیق‌تر این پدیده می‌شود. نگاه متداول حاکم بر فضای کارشناسی و تصمیم‌گیری این

است که به دلیل کسری بودجه دولت و ناترازی نظام بانکی، نقدینگی به اقتصاد پمپاژ می‌شود و این رشد نقدینگی باعث افزایش بهای ارز و تضعیف ارزش پول ملی می‌شود؛ بنابراین برای مهار تورم باید مشکل کسری بودجه دولت و ناترازی نظام بانکی حل شود.

**سال ۱۳۹۲ به‌عنوان سال پایه**

بهای ارز از حدود هزار تومان در سال ۱۳۸۹ به حدود ۳۱۰ تا ۳۲۰ تومان در

## اخبار

سال ۱۳۹۲ افزایش می‌یابد. چند نکته نشان می‌دهد بهای ارز ۳۲۰۰ تومانی سال ۱۳۹۲ نرخ تعادلی ارز در آن زمان بوده است. به بیان دیگر محاسبات نشان می‌دهد رشد ۲۰۰ درصدی بهای ارز در دوره مذکور همه عدم افزایش‌های سال‌های دهه ۸۰ را جبران کرده است. نکته بسیار مهم تر رفتار بانک مرکزی در آن دوره است. سال ۱۳۹۲ از معدود سال‌هایی است که بانک مرکزی یک دلار ارز مداخله‌ای هم به بازار عرضه نکرده است. در واقع عرضه و تقاضای ارز در آن سال در تعادل نسبی قرار داشته است؛ بنابراین این سال را می‌توان به‌عنوان سال پایه برای محاسبه تغییرات نرخ ارز، سطح عمومی قیمت‌ها و رشد نقدینگی قرار داد. در سال ۱۳۹۲ میانگین بهای ارز ۳ هزار و ۱۸۲ تومان بوده است. پس از آن سال تا سال ۱۳۹۶ در حالی که بهای ارز فقط ۲۷ درصد رشد کرده، قیمت کالاها و خدمات ۵۴.۵ درصد و حجم نقدینگی ۱۳۹.۱ درصد افزایش یافته است؛ بنابراین رشد نرخ ارز بسیار کمتر از رشد قیمت‌ها و رشد نقدینگی بوده است.

**تعبیر روند از سال ۱۳۹۷ به بعد**

اما این روند در سال‌های ۱۳۹۷ به بعد متفاوت می‌شود به‌طوری‌که رشد انباشتی بهای ارز، با رشد میانگین ۱۵۵.۵ درصد در آن سال، از رشد انباشتی قیمت و نقدینگی هم فراتر می‌رود. رشد نرخ ارز براساس سال پایه ۱۳۹۲=۱۰۰ به ۳۲۴.۵ درصد می‌رسد که از رقم ۲۰۲.۷ درصد شاخص قیمت و ۲۹۴.۴ درصد نقدینگی جلوتر است. این روند در سال‌های بعد هم ادامه می‌یابد. در پایان سال ۱۴۰۳ با وجود اینکه رشد انباشتی نرخ ارز به ۲۱۵۷.۸ درصد می‌رسد، رشد انباشتی نقدینگی در سطح ۱۵۵۳.۷ درصد قرار دارد. رشد انباشتی قیمت کالاها و خدمات هم ۱۸۸۵ درصد است.

**جهش نرخ ارز در سال ۱۴۰۴**

در سال ۱۴۰۴ نرخ ارز به‌شدت جهش می‌کند و فاصله رشد انباشتی بهای ارز با شاخص قیمت و نقدینگی بیشتر می‌شود. اگر نرخ ۱۳۰ هزار تومان را برای سال ۱۴۰۴ نرخ میانگین در نظر گرفته شود، بهای ارز در ۱۲ سال گذشته ۴۰۰ برابر شده اما در مقابل حجم نقدینگی ۲۲.۳ برابر شده است. رشد قیمت کالاها و خدمات هم ۲۷.۹ برابر بوده است.

**وارونگی رابطه نقدینگی و تورم**

بنابراین این تحلیل که رشد نقدینگی عامل رشد تورم و رشد نرخ ارز است و اگر بهای ارز افزایش می‌یابد به خاطر تورم بالا در اقتصاد ایران است، بازنمایی وارونه از واقعیت تورم یک دهه اخیر در اقتصاد ایران است. در واقع باید گفت نرخ ارز به‌عنوان پیشران و متغیری مستقل افزایش می‌یابد و این رشد، بر قیمت کالاها و خدمات و بر تقاضای نقدینگی اثر می‌گذارد.

**کمبود نقدینگی و اثر آن بر تولید و مصرف**

با توجه به علل افزایش بهای ارز در اقتصاد ایران، عدم تأمین نقدینگی مورد نیاز تولیدکننده و مصرف‌کننده هیچ‌گاه به کاهش قیمت ارز به نرخ‌های سابق منجر نشده و تنها نتیجه عدم تأمین نیاز نقدینگی اقتصاد، کاهش قدرت خرید مصرف‌کننده و کاهش توان تولید شده است. ارقام جدول بالا نشان می‌دهد رشد نقدینگی و قیمت کالاها و خدمات به دنبال نرخ ارز حرکت کرده و از رشدهای صعودی بهای ارز عقب هستند. حتی رشد نقدینگی از رشد قیمت کالاها و خدمات هم کمتر بوده است. در چنین شرایطی قیمت‌ها منجر شود. بازگشایی احتمالی تورم همیشه و همه‌جا صرفاً پدیده‌ای پولی است؟

### رشد نقدینگی عامل رشد تورم و رشد نرخ ارز است و اگر بهای ارز افزایش می‌یابد به خاطر تورم بالا در اقتصاد ایران است، بازنمایی وارونه از واقعیت تورم یک دهه اخیر در اقتصاد ایران است.

**درواقع باید گفت نرخ ارز**

**به‌عنوان پیشران و متغیری**

**مستقل افزایش می‌یابد**

**و این رشد، بر قیمت کالاها**

**و خدمات و بر تقاضای**

**نقدینگی اثر می‌گذارد**

سقوط قیمت‌ها را بپذیرد. تجربه‌های گذشته نشان می‌دهد که انتخاب گزینه دوم می‌تواند پیامدهای شدیدی داشته باشد. در سال‌های اخیر، رقابت عربستان با تولیدکنندگان نفت شیل آمریکا و همچنین اختلاف با روسیه، به جنگ‌های قیمتی منجر شد که اوج آن در سال ۲۰۲۰ قیمت نفت را حتی به زیر ۲۰ دلار در هر بشکه رساند.

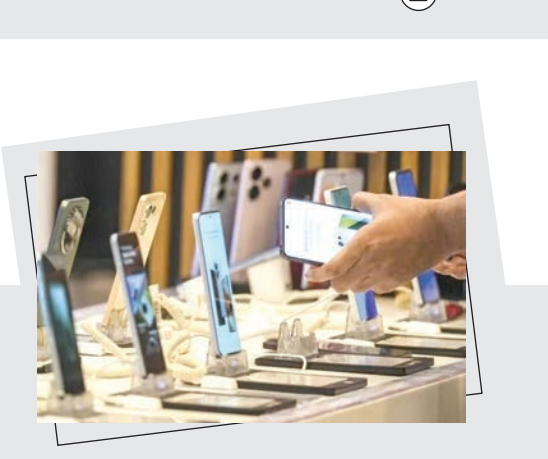
هم‌زمان با این تحولات، چشم‌انداز تقاضای جهانی نیز چندان امیدوارکننده نیست. اداره اطلاعات انرژی آمریکا پیش‌بینی کرده که تا سال ۲۰۲۷ عرضه جهانی سوخت‌های مایع می‌تواند بیش از ۳ میلیون بشکه در روز از تقاضا پیشی بگیرد. شوک ناشی از بحران هرمز نیز احتمالاً کشورهای مصرف‌کننده بزرگ مانند ژاپن، کره جنوبی و هند را ترغیب می‌کند تا وابستگی خود به نفت خاورمیانه را کاهش دهند و سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر، انرژی هسته‌ای و سایر منابع جایگزین را افزایش دهند. این روند در صورت تداوم، فشار مضاعفی بر تقاضای بلندمدت نفت وارد خواهد کرد. در مجموع، بازار جهانی نفت در وضعیت بی‌دوگانه قرار گرفته است. قیمت‌ها امروز به دلیل جنگ و ریسک ژئوپلیتیک بالا رفته‌اند اما همین شوک می‌تواند به تحولات ساختاری را بگارد که در آینده به مزاد عرضه و سقوط قیمت‌ها منجر شود. بازگشایی احتمالی تنگه هرمز، بازگشت نفت خلیج فارس به بازار، خروج امارات از اوپک و رقابت فراینده برای سهم بازار، همگی سناریوهایی را ترسیم می‌کنند که در آن رونق کوفتی ممکن است دوام داشته باشد. از این منظر، جهش فعلی قیمت نفت نه پایان یک بحران، بلکه شاید آغاز مرحله‌ای جدید از بی‌ثباتی در بازار جهانی انرژی باشد؛ مرحله‌ای که می‌تواند بایک جنگ قیمتی تمام‌عیار و تغییرات عمیق در نظم نفتی جهان همراه شود.



اوپک و متحدانش در قالب اوپک پلاس تاکنون حدود ۴۷ درصد تولید جهانی نفت را در اختیار داشته‌اند و همین تمرکز، امکان مدیریت عرضه و حمایت از قیمت‌ها را فراهم کرده است.

در این میان، فضای سیاسی و نظامی همچنان مهم است. هرچند تنش بس میان ایران و آمریکا فعلاً برقرار شده اما گزارش‌ها از بررسی گزینه‌های نظامی جدید از سوی واشینگتن و تهدیدهای متقابل تهران حکایت دارد. این وضعیت باعث شده بازار نفت هم‌زمان دو سناریوی متضاد از یک‌سوت‌دام اختلال و کمبود عرضه و از سوی دیگر بازگشت ناگهانی نفت به بازار در صورت کاهش تنش‌ها را قیمت‌گذاری کند که همین دوگانگی، نوسان‌پذیری قیمت‌ها را به‌شدت افزایش داده است. حتی بحران نظامی فروکش کند و تنگه هرمز دوباره باز شود، بازار نفت احتمالاً به وضعیت پیشین بازخواهد گشت. یکی از دلایل اصلی این موضوع، خروج امارات متحده عربی از سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) است؛ تصمیمی که می‌تواند موازنه قدرت در بازار جهانی نفت را به‌طور بنیادین تغییر دهد.

این رویکرد، امارات را در مسیر باقوه تقابل با



### تداوم بی‌ثباتی قیمت در بازار موبایل

بازار موبایل همچنان در مسیر افزایشی حرکت می‌کند؛ روندی که به‌ویژه در گوشی‌های پرتقاضای پایین‌رده، نگران‌کننده است.

بازار تلفن همراه در هفته‌های اخیر، به‌ویژه از اسفند و هم‌زمان با بروز شرایط جنگی، با افزایش قابل توجه قیمت‌ها مواجه شده؛ روندی که با وجود تداوم واردات میلیارد دلاری، موجی از گرانی و ابهام در میان مصرف‌کنندگان ایجاد کرده است. در ابتدا این‌گونه مطرح می‌شد که با توقف درگیری‌ها و افزایش عرضه، قیمت‌ها در بازار موبایل به مسیر نزولی بازخواهد گشت، اما بررسی‌های میدانی و گزارش‌های دریافتی از فعالان بازار نشان می‌دهد نه‌تنها این اتفاق رخ نداده، بلکه روند افزایشی قیمت‌ها همچنان ادامه دارد.

**جهش بی‌سابقه قیمت موبایل پایین‌رده: بازار همچنان در مسیر صعود**

آنچه بیش از همه توجه ناظران بازار را جلب کرده، شدت افزایش قیمت در گوشی‌های پایین‌رده است؛ بخشی از بازار که بیشترین تقاضا را به‌خود اختصاص داده و معمولاً محل رجوع اقشار متوسط و کم‌درآمد محسوب می‌شود. این افزایش قیمت، حتی برای فروشندگان خرد نیز غیرمنتظره بوده و به نوعی شگفتی در سطح بازار دامن زده است.

**افزایش ۵۰ درصدی قیمت موبایل؛ شوک جدید به مصرف‌کنندگان**

بر اساس یکی از گزارش‌های تهیه‌شده از روند قیمت‌ها، در بازه زمانی حدود دو ماه و نیم، از ابتدای اسفند تا نیمه اردیبهشت، قیمت گوشی‌های پایین‌رده یک برند مطرح کرده‌ای بعضاً تا حدود ۳۵ تا ۵۵ درصد افزایش ثبت کرده است. در همین بازه، گوشی‌های میان‌رده این برند نیز در برخی مدل‌ها افزایش قیمتی ۴۰ تا ۵۰ درصد را تجربه کرده‌اند و در بخش بالاترده نیز رشد قیمت‌ها بعضاً به حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد رسیده است.

این روند تنها محدود به یک برند نبوده و در میان محصولات برنده‌های چینی نیز مشاهده می‌شود. به طوری که در همین بازه زمانی، گوشی‌های پایین‌رده یکی از برنده‌های مطرح چینی تا ۴۰ درصد، ۵۰ درصد افزایش قیمت داشته‌اند و در بخش میان‌رده نیز رشد قیمت‌ها از مرز ۴۰ درصد عبور کرده است. این ارقام نشان می‌دهد که افزایش قیمت‌ها، پدیده‌ای فراگیر در کل بازار بوده و به یک یا چند مدل خاص محدود نمی‌شود.

**شکاف قیمتی در بازار موبایل؛ فاصله واردکننده تا مصرف‌کننده**

در چنین شرایطی، این پرسش جدی مطرح می‌شود که آیا مصرف‌کنندگان نهایی باید هزینه این نابسامانی و التهابات قیمتی را پرداخت کنند؟ بررسی‌ها نشان می‌دهد بخش قابل توجهی از تلفن‌های همراه موجود در بازار، با شرایط سال گذشته وارد کشور شده‌اند؛ یعنی در زمانی که حقوق ورودی کمتر بوده و هزینه تأمین کالا در بازارهای منطقه‌ای نیز در سطح پایین‌تری قرار داشته است. با این حال، قیمت این کالاها در بازار داخلی با افزایش‌های قابل توجهی مواجه شده است.

در مقابل، برخی فعالان بازار، افزایش حقوق ورودی را به‌عنوان یکی از دلایل اصلی رشد قیمت‌ها مطرح می‌کنند و معتقدند این عامل به‌طور مستقیم بر قیمت نهایی تأثیر گذاشته است. با این حال، این استدلال با یک ابهام جدی مواجه است؛ چراکه به دلیل محدودیت‌های لجستیکی و اختلال در مسیرهای حمل‌ونقل، حجم واردات در مقطع ابتدای سال ۱۴۰۵ چندان بالا نبوده و بخش عمده کالاهای عرضه‌شده، مربوط به موجودی‌های قبلی است.

از سوی دیگر، موضوع «هزینه جایگزینی» نیز از سوی برخی فعالان صنعت مطرح می‌شود. بر این اساس، فعالان اقتصادی تلاش می‌کنند قیمت کالاهای فعلی را با در نظر گرفتن هزینه‌های احتمالی تأمین مجدد در آینده تنظیم کنند. هرچند این رویکرد از منظر بنگاه‌داری قابل تحلیل است، اما همچنان این پرسش باقی است که سهم و توان تحمل مصرف‌کننده نهایی در این میان چه میزان در نظر گرفته شده است.

**پیشنهاد عرضه مستقیم به مصرف‌کننده برای کاهش التهاب بازار**

در این میان، برخی کارشناسان پیشنهاد می‌کنند برای کاهش فاصله قیمتی و جلوگیری از بروز گران‌فروشی غیررسمی، در این مقطع خاص زمانی عرضه مستقیم تلفن همراه به مصرف‌کنندگان نهایی در دستور کار قرار گیرد. این اقدام می‌تواند نقش احتمالی واسطه‌ها را کاهش داده و به شفاف‌تر شدن قیمت‌ها کمک کند.

**در سگوهای فروش بر خط چه خبر است؟**

با این حال، یکی از ابهامات جدی در بازار، اختلاف قابل توجه میان قیمت‌های اعلامی از سوی واردکنندگان و قیمت‌های نهایی در سگوهای فروش برخط است. بررسی فهرست‌های وارداتی نشان می‌دهد که این فاصله قیمتی در برخی موارد چشمگیر است؛ موضوعی که ضرورت ورود نهادهای نظارتی برای بررسی ابعاد مختلف آن را دوجنجان می‌کند.

به‌عنوان مثال در روز ۱۲ اردیبهشت‌ماه، گوشی ۸۵۶ (ظرفیت ۲۵۶ گیگابایت-ram) با احتساب مالیات ارزش افزوده، سود واردکننده و هزینه‌های گمرکی حدود ۸۰ میلیون تومان از سوی واردکننده عرضه می‌شود اما همین گوشی در یکی از (پلتفرم‌های آنلاین فروش کالا) سگوهای برخط تا ۹۳ میلیون تومان (با احتساب تخفیف) عرضه می‌شود. درواقع یک اختلاف قیمتی بیش از ۱۵ درصدی بین واردکننده و عرضه‌کننده در سگوی بر خط دیده می‌شود.

قیمت ۱۲۸۶۱-۶ (۱۲) از سوی برخی واردکنندگان با احتساب ارزش افزوده حدود ۴۴ میلیون تومان عرضه می‌شود اما همین کالا در سگوی برخط تا ۵۳ میلیون تومان نیز دیده می‌شود. درواقع در این مدل تا ۲۰ درصد اختلاف بین قیمت واردکننده و عرضه‌کننده بر خط دیده می‌شود. البته باید اشاره شود این ارقام مربوط به عرضه‌کننده غیر، در سکو بر خط است این در حالی است که مجموع سود عمده‌فروش و خرده‌فروش حداکثر ۱۰ درصد است. متأسفانه به‌هم‌ریختگی مبنای قیمت‌گذاری کالا از محل تعیین قیمت از صادراتی عملاً رصد دقیق زنجیره‌های تأمین را با اختلال مواجه کرده است. ای نکته‌ای است که در شرایط پساچنگی تعیین تکلیف‌شود در غیر این صورت التهابات قیمتی ادامه خواهد داشت.



# آیا جنگ بازیگر اصلی مشکلات اقتصادی کشور است؟

## گزارش

از آنجایی که جنگ همیشه با خود تبعاتی به همراه دارد و بر موضوعات مختلفی مثل اقتصاد تأثیر می‌گذارد جنگ اخیر هم بر اقتصاد کشور اثرگذار بوده است، اما به گفته برخی از کارشناس‌های اقتصادی نمی‌توان همه مشکلات اقتصادی را بر گردن جنگ انداخت و رفع این مشکلات مستلزم تمهیدات ویژه از سوی دولت و مسئولان است.

نگاهی به تاریخ و جنگ‌ها نشان داده است که جنگ و تنش‌های سیاسی همواره بر روندها و شاخص‌های اقتصادی تأثیرات گسترده و عمیقی داشته‌اند که این تأثیرات می‌توانند به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم، کوتاه‌مدت و بلندمدت باشند و تا جایی پیش بروند که طیف وسیعی از متغیرهایی مثل تورم، تجارت، نرخ ارز و مواردی از این قبیل را در برگیرند و جنگ ایران و آمریکا و اسرائیل نیز، از این قاعده مستثنا نبوده است و بر اقتصاد ایران تأثیر خود را گذاشته است و دیدگاه‌های متفاوتی در این رابطه وجود دارند.

برخی از افراد معتقدند که مشکلات ساختاری اقتصاد ایران مثل کسری بودجه مزمن، ناترازی بانکی و سوء مدیریت داخلی، عامل اصلی تورم هستند و جنگ تنها یک عامل تشدیدکننده یا بهانه‌ای برای توجیه گرانی‌هاست که بر اساس این دیدگاه، اقتصاد ایران حتی بدون جنگ نیز، با تورم ساختاری روبه‌رو بوده و نرخ تورم فروردین ماه عمدتاً ناشی از همین مشکلات داخلی بوده است.

دیدگاه دیگری که وجود دارد این است که اگرچه ممکن است جنگ و تنش‌های نظامی تأثیراتی بر نرخ ارز نداشته باشند، اما به‌طور قطع، بر عرضه کالا، افزایش هزینه‌های تولید، ایجاد انتظارات تورمی در جامعه و در نتیجه، افزایش قیمت‌ها تأثیری می‌گذارد و امکان دارد که این تأثیرات با تأخیر و به صورت موج‌های بعدی تورم، خود را نشان دهند و در این میان، نکته‌ای که وجود دارد این است که ترس از جنگ و بی‌ثباتی می‌توانند منجر به خروج سرمایه از سوی بخش خصوصی شوند که می‌توانند به اقتصاد و تولید آسیب بزنند.

سعید لیلاز، اقتصاددان در مورد تأثیر جنگ بر اقتصاد کشور گفت: تورم و گرانی به جنگ ارتباط دارد؛ به‌ویژه این که این جنگ‌آخرالزمانی است و واقعیت این است که اقتصاد ایران از اواخر ۱۳۴۰ تا الآن، با جنگ و بدون جنگ، دچار تورم ساختاری مزمن بوده و این تورم ناشی از یک ناترازی در سازوکار یک دولت بزرگ است و یکی از عوامل مهم کسری بودجه است که امسال، ۲ هزار تا ۲ هزار و ۵۰۰ همت کسری بودجه آشکار و پنهان بدون جنگ داریم و ساختار اقتصادی ایران به‌ویژه در حوزه بانکی فاسد است و این فساد بانکی عامل اصلی تورم و رشد نقدینگی است و در ۱۸ ماه گذشته؛ یعنی از آذرماه ۱۴۰۳ به بعد موج جدیدی از تورم در اقتصاد ایران راه افتاده است.

که در ماه‌های قبل از جنگ هم داشته‌ایم و البته از این به بعد، این موضوع بسیار بستگی به سیاست‌های دولت دارد. این اقتصاددان مطرح کرد: پیشنهاد می‌است که نباید نگران افزایش کسری بودجه به دلیل کنترل نرخ تورم بود و باید بتوان خروج بخش خصوصی از اقتصاد به دلیل ترس از جنگ را جبران کرد و نباید اجازه داد کیک اقتصاد کوچک شود و این موضوع مستلزم این است که دولت، هزینه‌های عمرانی خود را ۲۰۳ برابر کند و سپس، باید اقسار فرودست جامعه را مورد حمایت جدی قرار دهد و این پیشنهادی است که به دولت داده شده است و اطلاع دارم که روی این موضوع در حال کار است.

تا حدی ساختار اداری دولت همچنان در حالت قبل از جنگ به سر می‌برد و شرایط اقتصادی کشور متناسب با جنگ نیست؛ به طوری که در حال حاضر، اگر برای تخریب کالا از طریق گمرک اقدام کنید همان قوانینی را در نظر می‌گیرند که قبل از جنگ بوده است.

لیلاز گفت: اگر در ماه‌های آتی، نرخ تورم به خاطر جنگ افزایش پیدا کند به‌طور مطلق، جایی برای گریستن و جزا زدن و ترسیدن و ترساندن نیست؛ زیرا جنگی است که به ما تحمیل شده است و گریزی نداریم و هر عدد‌های بزرگی هستند بنده، سهم اصلی را به مشکلات ساختاری اقتصاد اختصاص می‌دهم.

لیلاز گفت: اگر جنگ می‌خواست تأثیر سیاسی روانی داشته باشد ابتدا باید بر قیمت دلار تأثیر می‌گذاشت، در حالی که نه در جنگ ۱۲ روزه و نه در جنگ تحمیلی سوم افزایش قیمت دلار را مشاهده نکردیم؛ زیرا نشتی که اقتصاد ایران به‌طور ماهانه، ۳۰۴ میلیارد دلار از خروج سرمایه به همراه داشته است در این جنگ اتفاق نیفتاد و این موضوع باعث ثبات قیمت طلا و دلار شد. به همین دلیل، تصور می‌کنم عامل اصلی تورم ساختار اقتصاد ایران است که تورمی می‌دهد نمی‌رسد.

#### کوتاه کردن دست سفته‌بازان از اقتصاد ایران

این اقتصاددان ادامه داد: ما همچنان تورم دوران ساختاری را داریم و یک اصطلاحی در اقتصاد به نام سفته‌بازی داریم که امکان دارد بازار از روی علامتی که به غلط یا به درست از واقعیت‌های اقتصادی جنگ دریافت می‌کند، بخواهد که خودش را تنظیم کند مثل اتفاق‌هایی که در حال حاضر در صنعت خودرودر رخ حال دادن هستند؛ زیرا از ۳ ماه قبل از شروع جنگ، صنعت خودرودر از دریافت نکرده است. البته مسئولان بانک مرکزی برای این موضوع به درستی پیش‌بینی می‌کردند که امکان وقوع جنگ وجود دارد. به همین دلیل، شرایط خود را با این موضوع تطبیق می‌دادند. لیلاز با بیان این که در چنین شرایطی سه اولویت وجود دارد؛ اسلحه، دارو و غذا که آن‌ها باید به خوبی تأمین می‌شدند، تأکید کرد: این سه اولویت مهم بودند و تا الآن، عملکرد دولت و بانک مرکزی برای این منظور درخشان بوده است و البته الحمدلله، اسماال باردنگی به نحوی بوده است که به‌نظرم، حدود ۲۰۰۳۰ میلیون تن به ظرفیت مواد غذایی کشور اضافه خواهد کرد و این موضوع باعث کاهش واردات و ارز می‌شود و دولت باید بتواند بقیه را ذخیره نگه دارد؛ زیرا ما برای این که جنگ چه زمانی تمام می‌شود چشم‌اندازی نداریم.

#### آیا ایران باید تسلیم شود؟

این اقتصاددان گفت: امکان دارد برخی از افراد بر این نظر باشند که در این جنگ، ایران تسلیم شود، اما یقین می‌دهم که حتی اگر ایران تسلیم شود و همه اورانیم غنی شده خود را با اسناد و مدارک به دولت آمریکا بدهد سر سوزنی در معادلات بین‌المللی و روابط میان ایران و دولت آمریکا تغییر به وجود نخواهد آمد.

لیلاز ادامه داد: به نظر بنده، در جنگ ۱۲ روزه، یک‌ماهه به شرایط قبل از جنگ برگشتیم و در جریان تحریم سال ۹۷ که ترامپ انجام داد و هم‌زمان با بدترین موج تاریخ کرونای جهان سوم بود و بدترین موج را کشور ما داشت از شروع رشد اقتصادی کشور در بهمن‌ماه ۱۳۹۸ تا پایان تابستان ۱۴۰۰ به رکورد تولید ناخالص داخلی ۱۳۹۶ رسیدیم؛ یعنی همه آثار کرونا و فشارهای حداکثری ناشی از تحریم را در ۱۸ ماه جبران کردیم و در جنگ تحمیلی ۸ ساله این جبران در حدود ۳ سال طول کشید و باید گفت که حتماً تحریم و جنگ بر اقتصاد کشور تأثیر می‌گذارد، اما بیشتر مشکلات اقتصادی ما به دلیل مدیریت داخلی است.

این اقتصاددان گفت: یکی از مقام‌های مسئول در یکی از مصاحبه‌های خود اعلام کرد که ۹ ماهه می‌توانند فولاد مبارکه اصفهان را به فعالیت و ظرفیت تولید برگردانند و بنده

می‌دانم که این زیرساخت‌ها در کشور قابل بازسازی هستند و یکی از گلابه‌های همیشگی ما این بوده که چرا ظرفیت فنی - مهندسی کشور بیکار مانده است؟

بنده فکر می‌کنم بخش مهمی از ظرفیت ازدست‌رفته عسولبه به دلیل جنگ قابل بازیابی است و در همین دولت، ظرفیت‌های زیادی برای برقی خورشیدی در حال نصب در می‌باشد.

لیلاز افزود: وزیر کار اعلام کرد که در بیش از ۶۰ روز گذشته، کمتر از ۱۹۰ هزار نفر برای بیمه بیکاری اقدام کرده‌اند و اطمینان داریم که بخش مهمی از این بیکاری به دلیل قوت‌نرنت است که با یک کلیک قابل اتصال است و از نظر اقتصادی، قطعی اینترنت آسیبی وارد می‌کند و این آسیب به سرعت قابل جبران است.

#### اگرچه جنگ بر اقتصاد کشور تأثیر می‌گذارد، اما گویا برخی می‌خواهند به عدیا به سهو تورم را گردن جنگ ببندازند، در حالی که شاید آثار جنگ تحمیلی سوم از خرداد و تیرماه خودشان را نشان بدهند؛ زیرا تولیدات ایران از سمت عرضه همواره در اسفند و فروردین کاهش پیدا کند به‌طور مطلق، جایی برای گریستن و جزا زدن و ترسیدن و ترساندن نیست؛ زیرا جنگی است که به ما تحمیل شده است و گریزی نداریم و هر آن چه توانسته‌ایم برای جلوگیری از جنگ و گسترش و تمام شدن آن پیشنهاد داده‌ایم؛ اما دشمن ما از همان ابتدا پذیرش این موارد را نداشته است؛ زیرا دولت آمریکا تا بتواند، یک ایران مستقل را بر زمی تأید؛ مگر این که یقین پیدا کند زورش به ایران مستقل نمی‌رسد.

#### اگرچه جنگ بر اقتصاد کشور تأثیر می‌گذارد، اما گویا برخی می‌خواهند به عدیا به سهو تورم را گردن جنگ ببندازند، در حالی که شاید آثار جنگ تحمیلی سوم از خرداد و تیرماه خودشان را نشان بدهند؛ زیرا تولیدات ایران از سمت عرضه همواره در اسفند و فروردین کاهش پیدا می‌کرده‌اند و از سمت تقاضا نیز، اگر رشد نقدینگی باید در ماه‌های آتی خودش را نشان دهد

## شکست رکورد ۴ ساله صادرات نفت ایران

صادرات نفت ایران در سال ۲۰۲۵ با وجود روی کار آمدن مجدد ترامپ در آمریکا ۱۰ هزار بشکه افزایش یافت و به بالاترین رقم طی ۴ سال گذشته رسید.

سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) در جدیدترین گزارش خود از سلسله گزارش‌های بولتن آماري که سالی یکبار منتشر می‌شود از افزایش ۱۰۰ هزار بشکه‌ای صادرات روزانه نفت ایران در سال ۲۰۲۵ خبر داده است. ایران در سال گذشته میلادی روزانه یک میلیون و ۶۷۰ هزار بشکه نفت صادر کرده است. این رقم برای سال پیش از آن، یک میلیون و ۵۷۰ هزار بشکه در روز اعلام شده بود. صادرات نفت ایران طی سال‌های اخیر روندی صعودی داشته و در سال ۲۰۲۵ با وجود روی کار آمدن دوباره ترامپ در آمریکا به بالاترین رقم طی ۴ سال گذشته رسیده است. در سال ۲۰۲۱ ایران فقط ۷۶۰ هزار بشکه در روز نفت صادر کرده بود. این رقم در سال ۲۰۲۲ به ۹۰۰ هزار بشکه در روز، در سال ۲۰۲۳ به یک میلیون و ۳۲۰ هزار بشکه در روز و در سال ۲۰۲۴ به یک میلیون و ۶۷۰ هزار بشکه در روز افزایش یافت. صادرات یک میلیون و ۶۷۰ هزار بشکه‌ای نفت ایران در سال ۲۰۲۵ نسبت به سال ۲۰۲۱ رشد ۱۱۹ درصدی داشته است.

**ایران چهارمین صادرکننده اوپک شد**

ایران چهارمین صادرکننده بزرگ اوپک در سال ۲۰۲۵ بوده است. عربستان با صادرات ۶ میلیون و ۴۲۰ هزار بشکه‌ای در رتبه نخست قرار داشته و عراق با ۳ میلیون و ۲۴۰ هزار بشکه و امارات با دو میلیون و ۸۰۰ هزار بشکه به ترتیب در رتبه‌های دوم و سوم از این نظر قرار داشته‌اند. کل صادرات نفت اوپک در سال میلادی گذشته، ۱۹ میلیون و ۸۵۰ هزار بشکه بوده که ایران سهم بیش از ۸ درصدی از این رقم داشته است. صادرات نفت اوپک در این سال ۸۴۰ هزار بشکه در روز نسبت به سال قبل از آن رشد داشته است. میزان صادرات روزانه نفت سایر اعضای اوپک در سال ۲۰۲۵ عبارت از الجزایر ۴۸۰ هزار بشکه، کنگو ۲۵۰ هزار بشکه، کینه استوایی ۵۰ هزار بشکه، گابن ۲۱۰ هزار بشکه، کویت یک میلیون و ۳۳۰ هزار بشکه، لیبی یک میلیون و ۲۱۰ هزار بشکه، نیجریه یک میلیون و ۴۰۰ هزار بشکه و ونزوئلا ۷۰۰ هزار بشکه است.

## فارین افروز: تنگه هرمز سالانه ۸۰ میلیارد دلار درآمد عاید ایران می‌کند



نشریه آمریکایی فارین افروز نوشت، درآمد ۸۰ میلیارد

دلاری ایران از تنگه هرمز، بهایی است که غرب باید بپردازد.

نشریه معتبر و راهبردی «فارین افروز» (فارین افروز Foreign Affairs) در مقاله‌ای تفصیلی به قلم یکی از مقامات ارشد پیشین آمریکا، پرده از واقعیتی برداشته است که سال‌ها واشنگتن سعی در کتمان آن داشت: «اقتدار بلامنازع جمهوری اسلامی ایران برشاهرگ انرژی جهان و ظرفیت عظیم اقتصادی آن». این گزارش با ارائه محاسباتی دقیق، نشان می‌دهد که غرب برای عبور امن از تنگه هرمز چاره‌ای جز تن دادن به واقعیت‌های میدانی و پرداخت هزینه‌های آن ندارد.

این مقاله که توسط «معاون اسبق وزارت خارجه آمریکا» به رشته تحریر درآمده، با محوریت بررسی «بهای صلح» تصمیم‌انیت انرژی در خلیج فارس، به ظرفیت شگفت‌انگیز درآمدزایی در تنگه هرمز پرداخته و صراحتاً اعتراف می‌کند که تداوم تقابل با تهران، هزینه‌هایی بسیار فراتر از تحمل اقتصاد غرب به همراه خواهد داشت.

۸۰ میلیارد دلاری؛ مالیات عبور از شاهرگ انرژی مهم‌ترین بخش از گزارش فارین افروز، اعتراف به ظرفیت عظیم و پنهان تنگه هرمز برای تولید ثروت است. معاون اسبق وزارت خارجه آمریکا در طرح پیشنهادی خود، محاسبه کرده است که اگر برای عبور معموله‌های انرژی از این آبراهه استراتژیک عوارض و حق ترانزیت وضع شود، ظرفیت تولید درآمدی بالغ بر ۸۰ میلیارد دلار در سال «ایجاد خواهد شد.

محاسبه مجله آمریکایی فارین افروز به شرح زیر است:

۵ دلار به ازای هر بشکه نفت

۲۰ سنت به ازای هر هرزافوت مکعب گاز

۲۵ دلار به ازای هر تن گوگرد

۳۰ دلار به ازای هر تن اوره

این ارقام به وضوح نشان می‌دهد که وابستگی اقتصادی جهانی

به امنیت تنگه هرمز تا چه حد حیاتی است و کنترل این

گلوگاه تا چه میزان می‌تواند به‌عنوان یک اهرم فشار و منبع

تولید قدرت و ثروت برای جمهوری اسلامی ایران و کشورهای